



ایران در دوران معاصر

توانمندی زبان فارسی در برابر زبان عربی (به قلم دکتر حسابی)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۶ مرداد ۱۳۹۴ - ۱۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

"توانایی زبان فارسی" در تاریخ جهان هر دوره‌ی ویژگی‌هایی داشته است. در آغاز تاریخ آدمیان زندگانی قبیله‌ی داشتند و دوران افسانه‌ها دوده است. پس از پیدایش کشاورزی دوره ده نشینی و شهرنشینی آغاز شده است سپس دوران کشورگشایی‌ها و تشکیل پادشاهی‌های بزرگ مانند هخامنشیان و اسکندر و امپراطوری رم بوده است. پس از آن دوره هجوم اقوام بربری بر این کشورها و فروریختن تمدن آنها بوده است. سپس دوره رستاخیز تمدن است که بنام رنسانس شناخته شده است. تا آن دوره ملل مختلف دارای وسایل کار و پیکار یکسان بودند. می‌گویند



"توانایی زبان فارسی"

در تاریخ جهان هر دوره یی ویژگی هایی داشته است. در آغاز تاریخ آدمیان زندگانی قبیله یی داشتند و دوران افسانه ها دوده است. پس از پیدایش کشاورزی دوره ده نشینی و شهرنشینی آغاز شده است سپس دوران کشورگشایی ها و تشکیل پادشاهی های بزرگ مانند هخامنشیان و اسکندر و امپراطوری رم بوده است . پس از آن دوره هجوم اقوام بربری بر این کشورها و فروریختن تمدن آنها بوده است . سپس دوره رستاخیز تمدن است که بنام رنسانس شناخته شده است. تا آن دوره ملل مختلف دارای وسایل کار و پیکار یکسان بودند. می گویند که وسایل جنگی سربازان رومی و بربرهای ژرمنی با هم فرقی نداشته و تفاوت تنها در انضباط و نظم و وظیفه شناسی لژیون های رومی بوده است که ضامن پیروزی آنها بوده است. همچنین وسایل جنگی مهاجمین مغول و ملل متحد چندان فرقی با هم نداشته است.

از دوران رنسانس به این طرف ملل غربی کم کم به پیشرفتهای صنعتی و ساختن ابزار نوین نایل آمدند و پس از گذشت یکی دو قرن ابزار کار آنها باندازه یی کامل شد که برای ملل دیگر یارای ایستادگی در برابر حمله آنها نبود و همزمان با این پیشرفت صنعتی تحول بزرگی در فرهنگ و زبان ملل غرب پیدا شد زیرا برای بیان معلومات تازه ناگزیر به داشتن واژه های نوینی بودند و کم کم زبانهای اروپایی دارای نیروی بزرگی برای بیان مطالب مختلف گردیدند.

در اوایل قرن بیستم ملل مشرق پی به عقب ماندگی خود بردند و کوشیدند که این عقب ماندگی را جبران کنند. موانع زیادی سر راه این کوششها وجود داشت و چاره را در پذیرفتن یکی از زبانهای خارجی برای بیان مطالب علمی آماده باشد. بعضی ملل چاره را در پذیرفتن یکی از زبانهای خارجی برای بیان مطالب علمی دیدند مانند هندوستان ولی ملل دیگر به واسطه داشتن میراث بزرگ فرهنگی نتوانستند این راه حل را بپذیرند که یک مثال آن کشور ایران

است.

برای بعضی زبانها به علت ساختمان مخصوص آنها جبران این کمبود واژه های علمی کاری بس دشوار و شاید نشدنی است مانند زبانهای سامی که اشاره یی به ساختمان آنها خواهیم کرد.

باید خاطرنشان کرد که شماره واژه ها در زبان های خارجی در هر کدام از رشته های علمی خیلی زیاد است و گاهی در حدود میلیون است . پیدا کردن واژه هایی در برابر آنها کاری نیست که بشود بدون داشتن یک روش علمی مطمئن به انجام رسانید و نمی شود از روی تشابه و استعاره و تقریب و تخمین در این کار پر دامنه به جایی رسید و این کار باید از روی یک اصول علمی معین انجام گیرد تا ضمن عمل به بن بست برنخورد.

برای اینکه بتوان در یک زبانی به آسانی واژه هایی در برابر واژه های بی شمار علمی پیدا کرد باید امکان وجود یک چنین اصل علمی در آن زبان باشد . می خواهیم نشان دهیم که چنین اصلی در زبان فارسی وجود دارد و از این جهت زبان فارسی زبانی است توانا در صورتی که بعضی زبانها گو اینکه از جهات دیگر یک سابقه ادبی درخشانی دارند ولی در مورد واژه های علمی ناتوان هستند.

اکنون از دو نوع زبان که در اروپا و خاور نزدیک وجود دارد صحبت می کنیم که عبارتند از زبانهای هند و اروپایی (Indo-European) و زبانهای سامی (Semitic). زبانهای فارسی از خانواده زبانهای هند و اروپایی هستند.

در زبانهای سامی واژه ها بر اصل ریشه هایی سه حرفی یا چهارحرفی قرار دارند که بنام ثلاثی و رباعی گفته می شوند و اشتقاق واژه های مختلف بر اساس تغییر شکلی است که به این ریشه ها داده می شود و به نام ابواب خوانده می شود. پس شمار واژه هایی که ممکن است در این زبانها وجود داشته باشد نسبت مستقیم دارد با شمار ریشه های ثلاثی و رباعی. پس باید بسنجیم که حداکثر شمار ریشه های ثلاثی چقدر است. برای این کار یک روش ریاضی به نام جبر ترکیبی (Algebre Combination) بکار میبریم.

در این رشته قضیه یی است به این ترتیب:

هرگاه بخواهیم از میان تعداد n شیئی تعداد معینی مثلا k شیئی برگزینیم و بخواهیم بدانیم چند جور می شود این k شیئی مختلف را از میان آن تعداد کل n شیئی برگزید ، پاسخ این پرسش چنین است : اگر تعداد امکانات گزینش را به p نشان دهیم این عدد می شود:

$$(P = n (n_1) (n_2) \dots (n_{k+1})$$

ترتیب قراردادن k شیئی در این فرمول رعایت شده است و عدد p را (permutation) می گویند.

مثلا اگر بخواهیم از میان پنج حرف دو حرف را برگزینیم اینجا $n=5$ و $k=2$ و p مساوی است با $(p=5 \times 4=20)$.

یعنی می توان ۲ حرف را ۲۰ جور از میان ۵ حرف برگزید به طوری که ترتیب قراردادن ۲ حرف نیز رعایت شود.

مثلا در جدول زیر از میان پنج حرف ا ب ت ج ی دو حرف با رعایت ترتیب های مختلف برگزیده شده است:

ا	ی		ا	ج		ا	ت		ا	ب		ب	ا
ب	ی		ب	ج		ب	ت		ت	ب		ت	ا
ت	ی		ت	ج		ج	ت		ج	ب		ج	ا
ج	ی		ی	ج		ی	ت		ی	ب		ی	ا

می بینیم که ۲۰ ترکیب پیدا شده است که در آن رعایت ترتیب نیز شده است . مثلاً ترکیب (اب) از ترکیب (ب ا) جدا است .

اکنون می خواهیم ببینیم که از میان ۲۸ حرف الفبای سامی چند ترکیب سه حرفی می توان درآورد . این تعداد ثلاثی های مجرد مساوی می شود با:

$$P = 28 \times 27 \times 26 = 19656$$

یعنی حداکثر تعداد ریشه های ثلاثی مجرد مساوی ۱۹۶۵۶ است و نمی شود بیش از این تعداد ریشه ثلاثی در این زبان وجود داشته باشد.

درباره ریشه رباعی می دانیم که تعداد آنها کم است و در حدود ۵ درصد تعداد ریشه ثلاثی است یعنی تعداد آنها در حدود ۱۰۰۰ است. چون ریشه های ثلاثی نیز وجود دارد که به جای سه حرف فقط دو حرف وجود دارد که یکی از آنها تکرار شده است مانند فعل (شَدَّ) که حرف (د) دوبا بکار رفته است از این رو بر تعداد ریشه هایی که در بالا حساب شده است چند هزار می افزاییم و جمعاً عدد بزرگتر بیست و پنج هزار (۲۵۰۰۰) ریشه را می پذیریم .

چنانکه گفته شد در زبانهای سامی از هر فعل ثلاثی مجرد می توان با تغییر شکل آن و یا اضافه چند حرف کلمه های دیگری از راه اشتقاق گرفت که عبارت از ده باب متداول می باشد مانند:

فَعَلَ - فَعَّلَ - أَفْعَلَ - تَفَعَّلَ - تَفَاعَلَ - انْفَعَلَ - اِنْفَعَلَ - اِفْعَلَ - اِسْتَفْعَلَ که باب نهم یعنی **اِفْعَلَ** به ندرت مورد استفاده قرار می گیرد .

ابوابی که به این ترتیب به دست آمده است دارای معانی نزدیک به اصل ثلاثی مجرد دارند و جنبه های تاکید و تشدید و واداشتن به کاری (مانند **شَعَّلَ و اشْعَلَ**) و حالت بین الاثنین (مانند **ضَارَبَ و تَضَارَبَ**) و حالت پذیرش (مانند **اِنْفَعَلَ**) و حالت خواستن چیزی (مانند **اِسْتَعْفَرَ**) و یا اشاره به خود (مانند **اِسْتَكْبَرَ**) و یا پیدا کردن خاصیتی (**اِحْمَرَ**).

این تفاوت ها در معانی که بوسیله ابواب بدست می آید در بیان مطالب علمی در زبانهایی مانند زبان های هند و اروپایی مورد نیاز نیست زیرا همین معانی در آن زبانها به شکل دیگری بیان می شوند مانند:

شَعَّلَ = بکارگماشتن و استغفر = بخشایش خواستن

از هر کدام از افعال اسامی مختلفی اشتقاق می یابد . اول نام های مکان و زمان (مانند **مَسْكَن** از **سَكَنَ** و **نَذَلَ** از **دَخَلَ**) . دوم نام ابزار (مانند **مِيزِد** از **بَرَد** بر وزن **مِفْعَل** ، **مِيزَان** از **وَزَنَ** بر وزن **مِفْعَال** ، **مِرْبَه** از **شَرَبَ** بر وزن **مِفْعَل**) . سوم نام طرز و شیوه (مانند **كُتِبَ و مَشِيَ** بر وزن **مِفْعَلَه**) . چهارم نام حرفه (مانند **خَبَاز** و **خِیَاط** بر وزن **فَعَال**) . پنجم اسم مصدر (مانند **فَعَلَ** از **فَعَلَ و تَفَعَّلَ** از **تَفَعَّلَ و انْفَعَلَ** از **انْفَعَلَ** و همچنین برای باب های دیگر) . ششم صفت که ساختمان آن ده شکل متداول دارد (مانند **صَعْبُ** بر وزن **فَعْل** ، **حَسَنُ** بر وزن **فَعْل** ، **حَزَنُ** بر وزن **فَعْل** ، **رَحِيمُ** بر وزن **فَعِيل** ، **رَسُولُ** بر وزن **فَعُول** ، **رَحْمَانُ** بر وزن **فَعْلَان** ، **كَذَابُ** بر وزن **فَعَال** ، **صَدِيقُ** بر وزن **فَعِيل** ، **عَلَامه** بر وزن **فَعَاله** ، **ضَحَكه** بر وزن **فُعَله**) . هفتم رنگ (مانند **أَحْمَرُ** بر وزن **أَفْعَل**) . هشتم نسبت (مانند **غَرَبِي** از **غَرَب** ، روحانی از **روح**) . نهم اسم معنی (مانند **كَيْفِيه** از **كَيْف**).

با درنظر گرفتن همه انواع اشتقاق کلمات نتیجه گرفته می شود که از هر ریشه یی حداکثر هفتاد مشتق می توان بدست آورد. پس هرگاه تعداد ریشه ها را که از ۲۵۰۰۰ کمتر است در هفتاد ضرب کنیم حداکثر عده کلمه هایی که بدست می آید می شود: $۱۷۵۰۰۰ = ۲۵۰۰۰ \times ۷۰$.

البته همه هفتاد اشتقاق برای هر ریشه یی متداول و معمول نیست و عددی که محاسبه شد حداکثر کلمه هایی است که ساختن آنها امکان دارد نه اینکه همه کلمه هایی که طبق الگوی زبان ممکن است ساخته شود واقعاً وجود داشته باشد. با این همه باز مقداری به این عدد حساب شده می افزاییم و آن عدد را به دو میلیون می رسانیم. امکان ساختن کلماتی بیش از این در ساختمان این زبان وجود ندارد.

یک اشکالی که در فراگرفتن این نوع زبان است این است که برای تسلط یافتن به آن باید دست کم ۲۵۰۰۰ ریشه را

از برداشت و این کار برای همه کس مقدور نیست حتی برای اهل آن زبان، چه رست به کسانی که به آن زبان بیگانه هستند.

اکنون اگر تعداد کلمات لازم از آن دو میلیون بگذرد دیگر در ساختمان این زبان راهی برای ادای یک معنی نوین وجود ندارد مگر اینکه معنی تازه را با یک جمله یی ادا کنند. به این علت است که در فرهنگ های لغت از یک زبان اروپایی به زبان عربی می بینیم که عده زیادی کلمات به وسیله یک جمله بیان شده است نه به وسیله یک کلمه. مثلاً Confrontation که در فارسی آن را می شود به (روبرویی) ادا کرد در فرهنگ های فرانسه یا انگلیسی به عربی چنین ترجمه شده است:

" جعل الشهود و جاهاً و المقابلة بين اقوالهم " و کلمه permeability که می توان آن را در فارسی با کلمه (تراوایی) بیان کرد در فرهنگ های عربی چنین ترجمه شده است: " امکان قابلیه الترشح ".

اشکال دیگر در این نوع زبان ها این است که چون تعداد کلمات کمتر از تعداد معانی مورد لزوم است و باید تعداد زیاده تر معانی میان تعداد کمتر کلمات تقسیم شود پس به هر کلمه یی چند معنی تحمیل می شود در صورتی که شرط اصلی یک زبان علمی این است که هر کلمه دلالت فقط به یک معنی بکند تا هیچ گونه ابهامی در فهمیدن مطلب علمی باقی نماند.

به طوری که یکی از استادان دانشمند دانشگاه اظهار می کردند در یکی از مجله های خارجی خوانده اند که در برابر کلمات بی شمار علمی که در رشته های مختلف وجود دارد آکادمی مصر که در تنگنای موانع بالا واقع شده است چنین نظر داده است که باید از بکار بردن قواعد زبان عربی در مورد کلمات علمی صرف نظر کرد و از قواعد زبان های هند و اروپایی استفاده کرد. مثلاً در مورد cephalopode که به جانوران نرم تنی گفته می شود مانند octopus که سروپای آنها به هم متصلند که در فارسی به آنها (سریاواران) گفته شده است بالاخره کلمه (راس رجلی) را پیشنهاد کردند که این ترکیب به هیچ وجه عربی نیست. برای خود کلمه mollusque که در فارسی (نرم تنان) گفته می شود در عربی یک جمله بکار میرود: " حیوان عادم الفقار ".

قسمت دوم صحبت ما مربوط به ساختمان زبانهای هند و اروپایی است. می خواهیم ببینیم چگونه در این زبانها می شود تعداد بسیار زیاد واژه های علمی را به آسانی ساخت.

زبانهای هند و اروپایی دارای شمار کمی ریشه در حدود ۱۵۰۰ عدد می باشند و دارای تقریباً ۲۵۰ پیشوند prefixe و حدود ۶۰۰ پسوند suffixe هستند که با اضافه کردن آنها به اصل ریشه می توان واژه های دیگری ساخت. مثلاً از ریشه (رو) می توان واژه های (پیشرو) و (پیشرفت) را با پیشوند (پیش) و واژه های (روند) و (رفتار) و (روش) را پسوندهای (اند) و (ال) و (آر) و (اش) ساخت. در این مثال ملاحظه می کنیم که ریشه (رو) به دو شکل آمده است یکی (رو) دیگری (رف).

با فرض اینکه از این تغییر شکل ریشه ها صرف نظر کنیم و تعداد ریشه ها را همان ۱۵۰۰ بگیریم ترکیب آنها با ۲۵۰

پیشوند تعداد $۳۷۵۰۰۰ = ۲۵۰ \times ۱۵۰۰$ واژه بدست می دهد.

اینک هرکدام از واژه هایی را که به این ترتیب بدست آمده است می توان با یک پسوند ترکیب کرد مثلاً از واژه (خود گذشته) که از پیشوند (خود) و ریشه (گذشت) درست شده است میتوان واژه (خود گذشتگی) را با افزودن پسوند (گی) بدست آورد. هرگاه ۳۷۵۰۰۰ واژه یی که از ترکیب ۱۵۰۰ ریشه با ۲۵۰ پیشوند بدست آمده است با ۶۰۰ پسوند ترکیب کنیم تعداد واژه هایی که بدست می آید می شود:

$۳۷۵۰۰۰ \times ۶۰۰ = ۰۰۰/۰۰۰/۲۲۵$ باید نیز واژه هایی که از ترکیب ریشه ها با پسوندهای تنها بدست می آید حساب کرد که می شود:

$۱۵۰۰ \times ۶۰۰ = ۰۰۰/۹۰۰$ پس جمع واژه هایی که فقط از ترکیب ریشه ها با پیشوندها و پسوند ها بدست می آید می شود:

$$۲۲۵۰۰۰۰۰۰ + ۳۷۵۰۰۰ + ۹۰۰۰۰۰ = ۲۲۶۲۷۵۰۰۰$$

یعنی ۲۲۶ میلیون واژه.

در این محاسبه فقط ترکیب ریشه ها را با پیشوندها و پسوندها در نظر گرفتیم آن هم فقط با یکی از تلفظها هر ریشه، ولی ترکیب های دیگری نیز هست مثل ترکیب اسم با فعل (مانند پیاده رو) و اسم با اسم (مانند خرد پیشه) و اسم با صفت (مانند روشن دل) و فعل با صفت (خوش خرام) و فعل با فعل (گفتگو) و ترکیب های بسیار دیگر در نظر گرفته نشده و اگر همه ترکیب های ممکن را در زبانهای هند و اروپایی بخواهیم بشمار بیاوریم، تعداد واژه هایی که ممکن است وجود داشته باشد مرز معینی ندارد . و نکته قابل توجه این است که برای فهمیدن این میلیونها واژه فقط نیاز به فراگرفتن ۱۵۰۰ ریشه و ۸۵۰ پیشوند و پسوند داریم در صورتی که دیدیم که در یک زبان سامی برای فهمیدن دو میلیون واژه باید دست کم ۲۵۰۰۰ ریشه از برداشت و قواعد پیچیده صرف افعال و اشتقاق را نیز فراگرفت و در ذهن نگاه داشت.

اساس توانایی زبانهای هند و اروپایی در یافتن واژه های علمی و بیان معانی همان است که شرح داده شد . زبان فارسی یکی از زبانهای هند و اروپایی است و دارای همان ریشه ها و همان پیشوندها و پسوندها است . تلفظ حروف در زبانهای مختلف هند و اروپایی متفاوت است ولی این تفاوتها طبق یک روایی پیدا شده است که در جدول مقابل که مربوط به تغییر تلفظ یک حرف در شش زبان است نشان داده شده است.

توانایی که در هر زبان اروپایی وجود دارد مانند یونانی و لاتین و آلمانی و فرانسه و انگلیسی در زبان فارسی ه همان توانایی وجود دارد. روش علمی در این زبانها مطالعه شده و آماده است و برای زبان فارسی بکاربردن آن بسیار آسان است. برای برگزیدن یک واژه علمی در زبان فارسی فقط باید واژه یی را که در یکی از شاخه های زبانهای هند و اروپایی وجود دارد با شاخه فارسی مقایسه کنیم و با آن هماهنگ سازیم . کسانی که بیم آن را دارند که اگر کلمه

های فارسی بجای کلمه های خارجی برگزینیم زبان فارسی زبان خواهد دید باید توجه داشته باشند که اگر بنشینیم و دست روی دست بگذاریم سیل کلمه های خارجی در کارخانه ها و کارگاه ها و مراکز اقتصادی و اداری و حتی در دانشگاه ها که بعضی از آنها افتخار می کنند که منحصراً زبان خارجی را بکار می برند جاری خواهد شد و خدای ناکرده در زادگاه فردوسی و سعدی و حافظ و نظامی و مولوی افتخار خواهند کرد که زبان فارسی را کنار گذاشته به زبان بیگانه سخن گویند.

جدول تغییر تلفظ حروف در زبانهای مختلف هند و اروپایی

فارسی.Pers.		آلمانی.Ger.		انگلیسی.Eng.		لاتین.Lat.	
پا	p	Fuss	f	foot	f	pes	p
تو	t	du	d	thou	th	ttu	t
کله	k	Haupt	h	head	h	caput	c
دام	d	zähmen	ts	tame	t	domare	d
گن	g	Kind	k	kin	k	genus	g
گام	g	Kommen	k	come	guc	venire	v
بردن	b	Bahre	b	bear	b	ferre	f
گرما	g	warm	w	warm	w	formus	F v
ویدا - دیدن	Vd	Witz	w	wit	w	videre	v

یونانی.GR.		سانسکریت.SKR.		هند و اروپایی.I.E.	
pous	p	padah	p	پا ped	p
tu	t	tvam	t	تو tu	t
kephale	k	kapalam	Kç	سر kep	k

d	dam دام	d	damita	d	damazô
g	gen نژاد	jz	jañnah	g	genos
gw	gwen آمدن	gj	gañmati	bd	baine
bh	bher بردن	bh	bharami	ph	pherô
gwh	gwherm گرم	gh	gharmañh	thph	thermos
w	weid دیدن	U	veñda	w	w)eidos)

منبع: وبسایت رسمی دکتر حسابی

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «توانمندی زبان فارسی در برابر زبان عربی (به قلم دکتر حسابی)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1667/pdf/توانمندی-زبان-فارسی-در-برابر-زبان-عربی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵